

بررسی پیامدهای الحاق ایران به کنوانسیون برن

دکتر سعید حبیبی

اشاره: در مجموعه پژوهشگاه، «پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل» زیرمجموعه‌ای به نام «گروه مطالعات سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی» دارد که عمدتاً مطالعه روی سازمان‌هایی که در حوزه‌های فرهنگی فعال‌اند، در زمره کارهای این گروه قرار دارد. در اولویت‌هایی که برای سال ۹۱ این گروه مشخص شده، مجموعه‌ای از طرح‌های پژوهشی و مجموعه نشست‌هایی وجود دارد که همه این برنامه‌ها درباره موضوعات فرهنگی مرتبط با سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی هستند. یکی از نشست‌های این گروه، نشست امروز است که موضوع آن «بررسی پیامدهای الحاق ایران به کنوانسیون برن» می‌باشد. بررسی این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چراکه تاکنون نزدیک به ۱۶۶ کشور به عضویت این کنوانسیون - که در حوزه حق تکثیر و کپی‌رایت است و حدود ۱۳۰ سال از تصویب آن می‌گذرد - درآمده‌اند.

برخی کشورها مثل ایران هنوز به عضویت این کنوانسیون درنیامده‌اند. وقتی به روند پیوستن به این کنوانسیون نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم بخش عمده‌ای از کشورها در اواخر قرن بیستم و بعد از تحولات نظام بین‌المللی (جدا از اینکه این تحولات مرتبط با این موضوع است یا خیر) به آن پیوسته‌اند. برای کشورهایی که عضو نیستند نیز این پرسش وجود دارد که سرانجام باید به آن بپیوندند یا نه، مزیت‌های پیوستن و آسیب‌های نپیوستن به آن چیست، آثار و پیامدهای مثبت و منفی و حقوق و تعهدات ناشی از این اتفاق برای این کشورها چگونه است و... به همین دلیل این موضوع در دستور کار یکی از نشست‌ها قرار گرفت و با توجه به نیاز وزارت ارشاد به آشنایی و بررسی این بحث، نشست امروز برگزار شد.

دکتر سعید حبیبی^۱

حقوق مالکیت ادبی بسیار دیرتر از مالکیت صنعتی

چنانچه می‌دانید امروز اهمیت بحث حقوق مالکیت فکری برای همگان، به‌ویژه عموم مسؤولان ما نیز روشن شده و در مورد آن به فکر افتاده‌اند. با وجود آنکه کشور ما یکی از پیشتازان مالکیت صنعتی است و شاید به‌جرات بتوان گفت اولین قوانین تصویب‌شده در کشور ما در این حوزه و در سال ۱۳۰۴ (قانونی که حمایت از علائم تجاری را دربر می‌گیرد)، همچنین قانون ۱۳۱۰ (قانون کامل‌تری که بحث حمایت از اختراعات و علائم تجاری را طرح می‌کرد) بوده، متأسفانه در حوزه مالکیت ادبی و هنری، ما همیشه با یک مشکل روبه‌رو بوده‌ایم که این مسأله در واقع ریشه تاریخی دارد. به‌راستی جای بحث و بررسی دارد که چرا با وجود آنکه ما در آن زمان هنوز صنعتی نبوده‌ایم، در حوزه قوانین ملی قانون‌گذاری کرده‌ایم، ولی در حوزه مالکیت ادبی و هنری با آنکه کشور ما در عرصه آثار علمی، ادبی و هنری همواره برای دنیا حرف‌هایی برای گفتن داشته و ما می‌توانستیم خیلی زودتر در این حوزه دست به تدوین قوانین بزنیم، می‌بینیم که اولین قانون تصویب‌شده در این حوزه، قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و پدیدآورندگان آثار هنری سال ۱۳۴۸ است.

^۱ . عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و رئیس مؤسسه مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران

شاید یکی از دلایل این مسأله این بوده که در ایران بحث تجار و تجارت از پایگاه مستحکم و قوی‌ای برخوردار بوده و فعالان این صنف به‌نوعی درصدد احقاق حقوق خود برآمده‌اند؛ ولی همین دلیل برای مالکیت ادبی و هنری هم می‌تواند وجود داشته باشد. چنانچه گفته شد، ما در عرصه ادب و هنر، پیشینه بسیار قدرتمندی داریم و چرایی تدوین نشدن قانون در این زمینه به بررسی دقیق‌تری نیاز دارد.

من در یک بررسی اجمالی متوجه شدم، بسیاری از اوقاتی که بحث حمایت از مالکیت ادبی و هنری طرح می‌شد، عده‌ای با این بهانه که اگر این بحث در ایران قوت بگیرد، محققان، دانشجویان و دانشمندان ما از دسترسی آسان یا با قیمت پایین به آثار محروم می‌شوند، آن را منتفی می‌کردند. رد پای این توجیهات را در مجلس هم می‌توان پیدا کرد؛ یعنی زمانی که قانون ۱۳۴۸ در حال تصویب بوده (این قانون چند سال قبل از این تاریخ هم در مجلس طرح و رد شده بوده)، زمره‌های مخالفی مبنی بر افزایش قیمت کتاب در صورت تصویب این قانون و دسترسی مشکل دانشجویان و محققان به آنها به گوش می‌رسیده است.

مشکل عمده، بحث اجراست

به هر حال این قانون در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسید که تا امروز هم ساری و جاری است و با وجود همه نواقص این قانون، می‌توان از آن برای حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندانمان به نحو شایسته و بایسته بهره برد. شاید یکی از مشکلاتی که در حوزه مالکیت ادبی و هنری در کشور ما وجود دارد، ناآگاهی از وجود چنین قوانین و مقرراتی است. مشکل بزرگ دیگر هم در بحث اجراست؛ چراکه من با هنرمندان بسیار و حتی استادان دانشگاهی (به جز رشته حقوق) روبه‌رو شده‌ام که مثلاً وقتی می‌گویم شما می‌توانید از اثر خود حمایت کنید، می‌گویند، در ایران که قانون کپی‌رایت وجود ندارد! آنها بعد از توضیحات من است که متوجه می‌شوند قانون برای حمایت از آثار وجود دارد و مشکل اصلی در بحث اجراست.

بسیاری هم این نظر را دارند که حتی اگر قانون وجود داشته باشد، وجود آن چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؛ یعنی تصور بسیاری ایرانیان این است که وظیفه دولت است که برای اجرای آن بکوشد؛ حال آنکه در بیشتر کشورهای دنیا، وظیفه نفع‌برنده است که برای حمایت و اجرای قانون کوشا باشد. به عبارت بهتر نفع‌برنده باید تسهیلاتی را که قانون‌گذار در قانون پیش‌بینی کرده، به اجرا گذارد. فرهنگ غلط دیگر در کشور ما این است که کسانی هم هستند که عادت دارند زمانی که قانونی نقض می‌شود، خودشان به دنبال احقاق حق بروند.

باید برای اصلاح این فرهنگ غلط هم فکری کرد که به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی در این حوزه می‌تواند بسیار سودمند باشد. یکی از وظایف وزارت ارشاد شاید این باشد که روی همین قوانین موجود (و در آینده روی قوانین دیگری که با آخرین استانداردهای جهانی به وجود خواهند آمد) کار کند، در این مورد که اولاً این قوانین وجود دارند، دوم برای اینکه به حقوق مؤلف، مصنف و هنرمند تجاوز نشود، خود اوست که باید برای اجرای قانون و حمایت از اثر خود بکوشد. البته دولت هم می‌تواند وظایفی را به عهده بگیرد؛ اما چنین نیست که دولت به خودی خود، بحث نقض قوانین ادبی را پی‌گیری کند.

سازمان‌های جمعی

مشکل عمده ما چنانچه گفته شد، در بحث اجراست که البته در دنیا راهکارهایی هم برای آن وجود دارد. شاید یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما نبود «سازمان‌های جمعی»ها (Collective Management) در کشور است. این سازمان‌ها در بیشتر کشورها نقش بسیار مهمی در حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی، هنری ایفا می‌کنند؛ اما هنوز هنرمندان، ناشران، مصنفان و پدیدآورندگان آثار صوتی ما به اهمیت این موضوع پی نبرده‌اند. فکر ما همواره این بوده که چنین سازمان‌هایی هزینه‌برند. مسلم است که شکل‌گیری این موضوع به صرف هزینه نیاز دارد. امروز خوشبختانه در کشور ما با تربیت دانشجویان رشته مالکیت فکری، به‌ویژه کسانی که در حوزه مالکیت ادبی و هنری تحقیق کرده‌اند، زمینه شکل‌گیری این سازمان‌ها به‌راحتی فراهم شده است.

در سفرم به کشور فنلاند که یک کشور پنج میلیون نفری است، متوجه شدم در این کشور ۱۹ سازمان جمعی وجود داشت. آنها به حدی پیشرفت کرده‌اند که بحث (Anty pairesi) را که تا حدودی بحثی حاکمیتی است و به دخالت دولت‌ها مربوط می‌شود، شکل داده‌اند؛ به این ترتیب که دولت‌ها و پلیس است که باید وارد عمل شود و کسانی را که در مورد جعل نسخه‌های اصیل در سطح انبوه فعالیت می‌کنند، تشخیص دهد که این تشخیص کاری بسیار مشکل است و فقط از همین طریق ممکن است. در کارگاهی که من از آن بازدید کردم، متخصص فن، سی‌دی‌هایی را به ما داد و به ما گفت که تشخیص دهیم، کدام اصیل و کدام کپی است. در سی‌دی‌هایی که از نظر فرد معمولی تفاوتی وجود نداشت، متخصص فن ۱۹ آیت تمایزدهنده را برشمرد.

این کار را هم دولت یا آگاهی انجام نمی‌داد، بلکه یک سازمان جمعی بود که در حال انجام آن بود. این سازمان، کار شناسایی افراد و همه تحقیقات لازم را انجام می‌دهد و فقط برای دستگیری و توقیف از پلیس استفاده می‌شود.

ضرورت‌های الحاق ایران به کنوانسیون برن

در بحث مسائل داخلی به اهمیت اطلاع‌رسانی اشاره و درباره نیاز به تدوین قوانینی بر اساس آخرین استانداردهای بین‌المللی بحث شد. ضمن اظهار امیدواری برای مهار جلسات غیرکارشناسانه با حضور غیرکارشناسانی که در بررسی کم و کیف این قوانین دخالت می‌کنند، باید گفت پیش‌نویس قانونی که در حال حاضر تهیه شده و من دیده‌ام، در مجموع پیش‌نویس خوبی است؛ اما اینکه در نهایت چه از آن بیرون بیاید، معلوم نیست؛ چنانچه پیش‌نویس قانون مالکیت صنعتی ما نیز خوب بود، ولی وقتی به مجلس شورای اسلامی رفت، دخالت غیرکارشناسان و غیرمتخصصان باعث شد که برخی نقص‌ها و ایرادات اساسی به این قانون وارد شود که اکنون با آن روبه‌رویم. امیدواریم که این موضوع در مورد قانون مالکیت ادبی پیش نیاید.

۱. از جنبه الحاق به سازمان تجارت جهانی

ضرورت‌های الحاق به کنوانسیون برن به نظر من تا حدودی روشن شده و برای عموم جا افتاده است. نظام جمهوری اسلامی ایران پس از سال‌ها تحقیق و مذاکره به این نتیجه رسید که ما باید به سازمان تجارت جهانی بپیوندیم و از آنجا که یکی از الزامات الحاق به سازمان تجارت جهانی، الحاق به کنوانسیون برن است، این مسأله یکی از ضروری‌ترین دلایل پیوستن به این کنوانسیون را می‌رساند؛ به این دلیل که همان‌طور که می‌دانید با کشوری که می‌خواهد به WTO بپیوندد، در حدود ۲۰ تا ۲۱ معاهده منعقد می‌شود و این کشور باید چنین معاهداتی بدهد؛ همچنین

این معاهدات را در قوانین و مقررات خود بگنجانند و استانداردهای این سازمان را لحاظ کنند. یکی از این معاهدات، معاهده «تریپس» (Trid related intellectual property ???) است. این معاهده که خودش یکی از تحولات بزرگ جهانی در حوزه مالکیت فکری است، جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری را بحث می‌کند. اگر نگاهی به معاهدات پیش از معاهده تریپس داشته باشیم، متوجه می‌شویم که هر حوزه‌ای از مالکیت فکری، کنوانسیون خاص خود را دارد؛ مانند کنوانسیون پاریس که مجموع مالکیت صنعتی را زیر پوشش قرار داده یا کنوانسیون برن که فقط مالکیت ادبی و هنری را پوشش می‌دهد، کنوانسیون رم نیز فقط به امور مرتبط توجه می‌کند؛ ولی برای اولین بار تریپس مجموعه‌ای را ارائه می‌دهد که در آن همه موضوعات مربوط به مالکیت فکری وجود دارد.

نکته دیگری که در تریپس وجود دارد و باید به آن توجه کرد، این است که بحث اجرا در آن بسیار قوی و برجسته شده است. با نگاهی به کنوانسیون برن یا رم متوجه می‌شویم که ضمانت اجرایی آنها آن قدرها قوی نیست و شاید فقط در یکی دو ماده ضمانت‌اجرایی‌های قوی پیش‌بینی شده است. در واقع این بخش بیشتر به «کشورهای عضو» محول و گفته شده، این کشورها موظف‌اند در بحث ضمانت اجرا تدابیری را اتخاذ کنند؛ اما در تریپس برای اولین بار یک‌سوم از مواد به ضمانت اجرایی اختصاص داده می‌شود؛ یعنی از بیش از هفتاد ماده، ۲۱ تا ۲۲ ماده، اختصاص به ضمانت اجرا دارد. شاید یکی از دلایلی که تریپس به «گپ» اضافه شد، همین بحث اجرا بود. در آنجا گفته شد که یکی از دلایل عمده اینکه ما به آهنگ رشد اقتصادی مورد نظرمان نرسیدیم، «پای‌رسی» (Infregment)‌هایی است که در حوزه مالکیت فکری رخ می‌دهد و باید برای آن راهکارهایی یافت؛ به این ترتیب معاهده تریپس در دل مذاکرات مربوط به تجارت و تعرفه اضافه شد.

مذاکرات «دررالقری» که مذاکرات بسیار پیچیده‌ای و شاید طولانی‌ترین مذاکرات تجاری دنیا (مدت برگزاری، هفت سال) است که طی آن به بحث مالکیت فکری، (IP) هم به آن اضافه می‌شود، این سؤال را برانگیخت که چرا اصلاً شما می‌خواهید IP را که در آن بحث تجارت و تعرفه طرح می‌شود، به این عرصه (مالکیت فکری) وارد کنید. به این سؤال این‌طور پاسخ داده می‌شود که مراد خود IP نیست، بلکه آنچه مورد نظر کشورهای پیشرفته است، جنبه‌های تجاری است و آنها به همین ترتیب به شکل هنرمندانه به تریپس رسیدند.

بنابراین تریپس اولاً قوانین مالکیت فکری را در یک مجموعه ارائه داد، دوم بحث ضمانت‌اجرا در آن به شکل قوی‌تری درآمد. نکته دیگری که در این معاهده وجود دارد و شاید برای اولین بار در حقوق بین‌الملل شاهد آنیم، این بود که مواد موافقت‌نامه‌هایی را که لازم‌الاجرا نبود، در دل خود جای داده و کشورها را ملزم به استفاده از این مواد در قوانین و مقرراتشان کرده است؛ موافقت‌نامه‌هایی مانند کنوانسیون واشنگتن (۱۹۸۰) که برای حمایت از مدارهای یکپارچه (IC) به تصویب رسید، ولی هیچ‌گاه به دلیل اختلافات کشورهای پیشرفته (یا برخی کشورهای در حال توسعه که در این زمینه حرفی برای گفتن دارند) با یکدیگر لازم‌الاجرا نشد. در این مورد می‌بینیم که تریپس هنرمندانه مواد کنوانسیون واشنگتن را در دل خود می‌گنجانند و می‌گویند، کشورهایی که می‌خواهند عضو شوند، باید این استانداردها را در قوانین خود پیش‌بینی کنند.

با توجه به این مطلب به این نتیجه می‌رسیم، یکی از الزامات کشور ما برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی - که درخواست رسمی خود را در این زمینه در سال ۱۳۷۶ به سازمان تجارت جهانی داده‌ایم و اکنون هم در آن عضو ناظریم - الحاق به کنوانسیون برن و رم است.

زمانی که دانشجویان ما تا حدودی در مورد رشته «مالکیت فکری» - که ما در دانشگاه تهران تأسیس کرده بودیم - ناامید بودند و بحث‌هایی طرح می‌شد مبنی بر اینکه IP مگر چیست که شما بخواهید این رشته را به عنوان رشته کارشناسی ارشد خود بگذرانید و... آن‌هم در حالی که ما هنوز عضو سازمان تجارت جهانی نیستیم، من می‌گفتم که در عالم سیاست هر چیز ناممکنی، ممکن است به وقوع بپیوندد؛ چنانچه چه کسی فکر می‌کرد که ما در سازمان تجارت جهانی، عضو ناظر شویم. به همین ترتیب این امکان هم وجود دارد که به این سازمان بپیوندیم؛ منتهی ما باید ملاک‌ها و معیارهایی که در معاهدات آن وجود دارد، در قوانین خودمان بگنجانیم و این قوانین را اصلاح کنیم تا به ما خوشامد بگویند.

۲. از جنبه آموزه‌های مذهبی

در یکی از سفرهای علمی‌ام به مونیخ آلمان برای شرکت در سمیناری با حضور استادان دانشگاه دنیا در رشته مالکیت فکری، گفت‌وگویی با یکی از استادان داشتم. او معتقد بود بعضی کشورها به این دلیل به حوزه مالکیت ادبی و هنری نپیوسته‌اند که آموزه‌های دینی‌شان، آنها را موظف کرده که به چنین کنوانسیون‌هایی نپیوندند! من به ایشان گفتم که اصلاً چنین چیزی نیست و دقیقاً برعکس آموزه‌های دینی ما در مورد احترام به حق و مالکیت، بحث‌های طولانی میان علمای نه فقط متأخر، بلکه علمای قدیمی ما وجود داشته است.

اتفاقاً بحث مالکیت در اسلام بسیار گسترده‌تر از مالکیتی است که در حقوق رم وجود دارد. معیارهایی که برای مالکیت در حقوق رم ذکر کرده‌اند، در اسلام بسیار گسترده‌تر می‌شود. در اسلام می‌گویند، هر چیزی که دارای ارزش اقتصادی باشد، مال است و چون مال است باید محترم شمرده شود. به این دلیل که از نظر اسلام هیچ فرقی بین مالکیت‌های سنتی و فکری وجود ندارد، همچنان که هیچ‌کس اجازه ندارد از مال‌های سنتی مانند خانه، ماشین، موبایل و... بدون اجازه مالک استفاده کند، از مال‌های فکری هم نمی‌تواند به اجازه مالک بهره‌مند شود.

با توجه به این بحث به نظر من یکی دیگر از دلایلی که باید ما را به طور جدی وادار کند که به کنوانسیون برن بپیوندیم، آموزه‌های دینی ماست؛ یعنی نپیوستن ما به نوعی آثار نامطلوبی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد؛ چنانچه نکته‌ای که گفته شد، به شکل مقاله درآمده و طرح شده است؛ یعنی ما متهم شده‌ایم که به دلیل آموزه‌های مذهبی‌مان از پیوستن به کنوانسیون برن سر باز می‌زنیم.

۳. از جنبه پیشینه خوشنام تاریخی

نکته دیگری که ما همیشه در افکار عمومی و گفت‌وگوها با آن روبه‌رو می‌شویم این است که ایران یکی از کشورهای صاحب تمدن و اگر قائل به هفت تمدن باشیم، یکی از هفت تمدن بزرگ دنیاست. ایرانی‌ها از دوران بسیار قدیم در حوزه احترام به ادبا، شعرا، نویسندگان و... ید بیضایی دارند و برای آنها حرمت قائل‌اند؛ بنابراین برای آنکه بتوانیم پیشینه خوشنام خود را در جهان حفظ کنیم، مسلماً پیوستن به کنوانسیون برن توجیه و ضرورت بیشتری می‌یابد. در

عرصه بین‌الملل نیز این آمادگی وجود دارد که بحث الحاق به کنوانسیون‌های حمایت از آثار ادبی و هنری را جدی بگیریم و این باز وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند.

پیامدهای الحاق به کنوانسیون برن

الحاق به کنوانسیون برن برای کشورها طبیعتاً پیامدهایی به دنبال خواهد داشت که کشور ما نیز که تصمیم به این الحاق دارد، نیاز است که در این عرصه به مطالعات جانبی بپردازد. به نظر من در این مطالعات جانبی ابعاد مختلف، به‌ویژه ابعاد اقتصادی این قضیه باید در نظر گرفته شود که آیا الحاق ایران از نظر آثار اقتصادی برای ما مفید خواهد بود یا خیر. من در مطالعه کشورهای در حال توسعه متوجه می‌شدم که این کشورها دقیقاً برعکس ما عمل کرده‌اند؛ مثلاً یکی از کشورهای در حال توسعه که خودش از کشورهایی است که در عرصه ادب و هنر صاحب‌نام است و از کشورهای صاحب تمدن نیز می‌باشد، کشور هند است.

این کشور در حوزه مالکیت ادبی و هنری از دهه ۵۰ به این کنوانسیون‌ها ملحق شده؛ ولی در عرصه مالکیت صنعتی همین اواخر یعنی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ بود که به کنوانسیون‌های مالکیت صنعتی پیوست؛ در حالی که همان‌طور که می‌دانید کشور هند از نظر بنیان‌های صنعتی هم کشور قدرتمندی است و دست‌کم فکر می‌کنم در برخی صنایع از ما خیلی جلوتر است. ولی در مقایسه با کشور ما می‌بینیم که ما در حوزه مالکیت صنعتی بسیار سریع و شاید جزو پیش‌تازان کشورهای آسیا و جنوب شرق آسیا هستیم و فکر می‌کنم در سال ۱۹۳۷ بود که به کنوانسیون مالکیت صنعتی ملحق شدیم؛ اما در حوزه مالکیت ادبی و هنری تا امروز موفق نشده‌ایم به کنوانسیون آن بپیوندیم.

این بحثی است که جای تأمل دارد که علت چنین اتفاقی چیست. کشورهایی همچون هند متوجه شده‌اند که پیوستن به کنوانسیون برن می‌تواند آثار اقتصادی مثبتی برای آنها به همراه داشته باشد، ولی ما در این عرصه هنوز در شک و تردیدیم.

هنگامی که می‌خواهیم به عرصه مالکیت ادبی و هنری وارد شویم، دو نکته بسیار برجسته وجود دارد که باید به آنها توجه کنیم؛ یکی در مورد کتاب و دیگری سی‌دی است. عده‌ای مانند برخی ناشران می‌گویند اگر ما محقق شویم قیمت کتاب بالا می‌رود. پرسش من این است که الحاق به کنوانسیون‌های ادبی و هنری فقط به عرصه کتاب خلاصه می‌شود؟ با انجام برخی مطالعات جانبی می‌بینیم که اتفاقاً شاید کتاب، میزان بسیار کمی از حوزه ادب و هنر را به خود اختصاص می‌دهد.

در مقابل، ما با نپیوستن به کنوانسیون برن ضمن بدنام‌شدن در دنیا، متحمل هزینه‌های اقتصادی بالا در عرصه مختلف ادب و هنر هستیم، در عین اینکه به‌نوعی آثار کشورهای دیگر را با این کار حمایت کرده‌ایم؛ چراکه مثلاً صداوسیما برای پخش برنامه‌های ورزشی و فیلم‌های سینمایی ناچار به صرف هزینه است، حال آنکه حقوق مالکیت ادبی آثار ما مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به‌راستی این نگرانی ما از بالا رفتن قیمت کتاب به چه قیمتی تمام می‌شود؟ این نکته‌ای است که مغفول مانده؛ یعنی ما هم هزینه‌ها را پرداخت می‌کنیم، هم بی‌آبرویی ناشی از نپیوستن برایمان باقی می‌ماند و فرهنگ و آموزه‌های دینی‌مان نیز متهم می‌شوند.

یک‌بار دانشجویی هنگام معرفی به من، خود را مدیر «سازمان رسانه‌های تصویری» نامید و گفت این سازمان که زیرمجموعه وزارت ارشاد است، در تهیه همه سی‌دی‌ها و پخش آن در سراسر کشور حق کپی‌رایت را کاملاً رعایت

می‌کند؛ به این ترتیب وزارت ارشاد ما خود به این حق پایبند است، ولی در حوزه کتاب نگران افزایش قیمت‌ها می‌شوند و این در اثر جوسازی‌هایی است که وجود دارد. از همه مهم‌تر در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتابی که در کشور ما برگزار می‌شود نیز حق کپی‌رایت لحاظ و پرداخت شده؛ منتهی در تکثیرهای بعدی باید تدابیری اندیشیده شود.

در مورد سی‌دی هم که قطعاً یکی از مشکلات ماست، می‌بینیم نرم‌افزارهایی که روی رایانه‌ها نصب‌اند، هیچ‌کدام کپی‌رایت را رعایت نکرده‌اند و اکنون کم‌کم برخی سازمان‌ها به سمت وسوی استفاده از نرم‌افزارهای اصل پیش می‌روند؛ به‌ویژه در مورد آنتی‌ویروس‌ها که مثلاً دانشگاه تهران سی‌دی اورجینال تهیه کرده و استفاده می‌کند؛ ولی به طور طبیعی باید اذعان کرد که اگر ما به این کنوانسیون‌ها ملحق شویم، در بعضی حوزه‌ها افزایش قیمت‌هایی هم ممکن است داشته باشیم که گریزناپذیر است و نباید از آن فرار کرد؛ منتهی آثار بد و خوب با هم باید بررسی شوند.

وقتی نتیجهٔ نپیوستن ما این است که نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس، نوازنده و... به جای آنکه به دنبال کارهای اصیل باشد، به کپی‌برداری روی می‌آورد و می‌بینیم فیلم‌نامه‌ها به برخی تغییرات جزئی بومی و به خورد مردم داده می‌شوند، با آثار بطئی‌ای روبه‌رو می‌شویم که در درازمدت ابتکارات و خلاقیت‌ها در حوزهٔ ادب، هنر و فیلم و... را به افول می‌برد. حال آنکه وقتی حق کپی‌رایت وجود دارد و فرد می‌داند که باید آن را پرداخت کند، به جای این کار به فکر خلق اثر خود می‌افتد و به‌یقین در کشورش و دنیا حمایت خواهد شد. رعایت نظام کپی‌رایت آثار بسیار مثبتی در ارتقای خلاقیت‌های علمی، ادبی و هنری به دنبال خواهد داشت.

مهم‌ترین پیامد این الحاق نیز که به نظر من بسیار مهم است؛ چراکه ما کشوری صاحب تمدن و صاحب سبک در آثار ادبی و هنری هستیم، همان است که بی‌توجهی به حق کپی‌رایت می‌تواند روی این پیشینه تأثیر منفی بگذارد. در مورد حقوقی که پدیدآورندگان آثار در کشور ما می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، می‌توان به «معیار حمایت» اشاره کرد. معیار حمایت که پس از الحاق، قطعاً تغییراتی در آن ایجاد خواهد شد، این است که در حال حاضر طبق قانون ۱۳۴۸ از آثاری حمایت می‌شود که برای اولین بار در ایران منتشر شده باشند؛ خواه این اثر متعلق به یک ایرانی باشد، خواه نباشد؛ یعنی اگر یک آمریکایی برای اولین بار اثری را در ایران منتشر کند، ما از آن حمایت می‌کنیم؛ ولی اگر یک ایرانی اثری را برای اولین بار در خارج از کشور منتشر کند، مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.

حال آنکه ما می‌دانیم پس از الحاق، معیار حمایت تغییر خواهد کرد؛ به این ترتیب که ما باید در کشور خودمان از همهٔ آثار در هر جای دنیا -چه ایرانی و چه خارجی- به محض آنکه خلق شدند، حمایت کنیم.

نکتهٔ بسیار مهمی که در کنوانسیون برن وجود دارد، بحثی به نام «اصل رفتار ملی» (National treatment) است که طی آن در صورت الحاق، ما موظف می‌شویم همان حقوقی را که برای آثار داخلی خودمان قائلیم، برای آثار خارجی قائل شویم؛ مثلاً اگر به استناد قانون ۱۳۴۸ مدت حمایت از اثر ۵۰ سال است، نمی‌توان بین آثار داخلی و خارجی در این مورد تفاوتی قائل شد؛ حتی اگر مدت حمایت در کشور دیگر مثلاً ۳۰ سال باشد، در کشور ما از همان حمایت ۵۰ ساله برخوردار خواهد بود.

اصل دیگر قابل ذکر، «اصل برخورداری از حداقل حقوق» در این کنوانسیون است. طبق این اصل، همهٔ کشورهای عضو این کنوانسیون ملزم‌اند، حداقل حقوقی را که برای پدیدآورندگان آثار در نظر گرفته شده، در قانون خود پیش‌بینی کنند؛ مثلاً اگر در مورد آثار سینمایی، کشورهای عضو اتحادیه می‌توانند مدت حمایت را ۵۰ سال پس از عرضهٔ عمومی

اثر در نظر بگیرند، ما نیز ملزم به رعایت این حداقل هستیم؛ یعنی می‌توانیم این مدت را بیشتر در نظر بگیریم، ولی اجازه نداریم کمتر از این مقدار تعیین کنیم.

مورد دیگر «حق تعقیب» و «حق توزیع اثر» است که در قانون فعلی ما وجود ندارد و این یکی از نقص‌های قانون ماست. البته این نقص در پیش‌نویس قانون جدید برطرف شده، ولی به طور کلی با پیوستن ما به کنوانسیون برن، همه اتباع ما می‌توانند از این دو حق برخوردار شوند.

اتفاق دیگری که می‌توان از آن سخن گفت، این است که در مورد «مدت حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان» که بر اساس قوانین ما همیشگی است، بر اساس بند دو ماده شش مکرر کنوانسیون برن گفته می‌شود، کشورها می‌توانند حقوق معنوی پدیدآورندگان را به میزان مدت حقوق مادی آن اثر کاهش دهند. البته این کمی با آموزه‌ها و تأثیرات بین نظام‌های حقوقی تفاوت دارد. می‌دانیم در دنیا دو نظام برجسته حقوقی «سییلا» و «کامونلا» وجود دارد.

پیروان نظام کامونلا در مورد «حقوق معنوی» (Morarra) به اندازه پیروان نظام سییلا اهمیت قائل نمی‌شوند و به آن توجه نمی‌کنند. البته خیلی‌ها به اشتباه تصور می‌کنند که کامونلایی‌ها اصلاً حقوق معنوی را رعایت نمی‌کنند. کامونلایی‌ها به حقوق معنوی توجه دارند؛ اما آن را بیشتر به حریم خصوصی مربوط می‌دانند. ما هم برای حریم خصوصی، پیش‌نویسی تهیه کردیم که به نتیجه نرسید. به طور کلی کامونلایی‌ها بیشتر به آثار اقتصادی مالکیت فکری و از جمله مالکیت ادبی و هنری توجه می‌کنند؛ بنابراین بنیان‌گذاران چالش‌هایی که در کنوانسیون برن و رم وجود داشت، می‌بینیم که سییلائی‌ها در پاریس‌اند. در کشور ما هم چنین است. در واقع بنیان‌گذار مالکیت ادبی و هنری، ویکتور هوگوست که در نهایت کنوانسیون برن را در سال ۱۸۸۶ به وجود می‌آورد.

در کنوانسیون پاریس، توجه به حقوق مادی و معنوی با هم وجود دارد؛ ولی با چانه‌زنی‌ها در کنوانسیون برن، سییلائی‌ها کمی کوتاه آمده‌اند و با آوردن قید «می‌توانند» می‌گویند کشورها همان روند کنوانسیون پاریس را ادامه بدهند که همان قائل به همیشگی بودن حمایت از حقوق معنوی است؛ اما «می‌توانند» آن را به میزان مدت حمایت از حقوق مادی کاهش دهند. این تغییری است که صداوسیما می‌تواند از آن بهره‌مند شود و ۵۰ سال پس از فوت پدیدآورنده از آثار استفاده کند.

یک نکته‌ای که در حقوق ایران بر اساس قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ وجود دارد، بحث «حرمت اثر» است. ما بر اساس قوانین موجودمان می‌توانیم اعمال کوچک‌ترین تغییرات را با نام حق «حرمت اثر» به عنوان نقض قانون تلقی کنیم که به نظر می‌رسد در اینجا قانون‌گذار کمی سخت‌گیرانه برخورد کرده است. در صورتی که در کشورهای دیگر و از جمله در کنوانسیون برن گفته می‌شود که اگر این تغییرات کوچک باعث ورود لطمه به حیثیت و شهرت پدیدآورنده نشود، مجاز است؛ بنابراین اتباع ایرانی هم با الحاق به کنوانسیون برن می‌توانند از این حق بهره‌مند شوند.

الحاق به کنوانسیون، حق «بازخوانی» و «ضبط موقت ناپایدار اثر» را که در حقوق ما پیش‌بینی نشده، می‌تواند برای اتباع ایران به ارمغان بیاورد.

نکته بسیار مهم دیگری که در قانون ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ ما مغفول مانده این است که در مورد صدور «مجوزهای بهره‌برداری‌های اجباری» (انگلیسی نامفهوم) برای دولت یا برای حمایت از منافع دولت، قانون چیزی پیش‌بینی نکرده است. الحاق به کنوانسیون برن می‌تواند این حق را برای حمایت از دولت و نهادهای دولتی مانند صداوسیما را به دنبال

داشته باشد. دولت می‌تواند بنا به ضرورت منافع ملی در جاهایی از قوانین و مقررات کنوانسیون برن پیروی نکند؛ مثلاً اگر الحاق به این کنوانسیون باعث افزایش قیمت کتاب شد، اجازه انتشار را بدون رعایت حق کپی‌رایت به ناشران بدهد، البته مشروط بر آنکه یک اجرت منصفانه‌ای برای مؤلف در نظر بگیرد.

چنانچه می‌دانید بیشتر کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه مالکیت فکری و از جمله کنوانسیون برن اصلاحات و الحاقات متعددی داشته‌اند. در اصلاحات معروف به «سند پاریس» که به گمانم مربوط به سال ۱۹۶۷ باشد، امتیازات بسیاری برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده که ایران هم به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه باید هنگام الحاق به کنوانسیون به‌شدت و بسیار قوی این اصلاحیه را بررسی کند و از این امتیازات بهره‌برداری کند.

بهره‌برداری از «محدودیت‌ها و استثنائات» (Limitation & Exeption) در کنوانسیون برن نیز از نکات مثبت الحاق به آن است که امروز یکی از بحث‌های مهم همه کشورهای، حتی کشورهای پیشرفته است. در کنوانسیون برن و رم برخی استثنایا و محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده‌اند که الحاق به آن، حق برخورداری از آنها را برای ایران فراهم می‌کند. البته ما بعضی از این استثنایا را قانون خودمان دیده‌ایم، ولی جامع و کامل نیست و برن بیشتر از اینها پیش‌بینی کرده است.

حقوق و تکالیف ناشی از الحاق

پیوستن به کنوانسیون برن، برخی حقوق و تکالیف را برای اشخاص حقیقی و حقوقی در کشور ما به دنبال خواهد داشت که پس از پیوستن، دولت و اشخاص موظف به رعایت این تکالیف خواهند شد. یکی از آنها همان «اصل رفتار ملی» است که همچنان که یک امتیاز است، تکلیفی برای دولت ایران نیز به حساب می‌آید که اگر اتباع خارجی عضو کنوانسیون به ایران آمدند، معیارهای پذیرش در کنوانسیون برن را در مورد تشخیص افراد و موضوعات مورد حمایت رعایت کند؛ همچنین اصل حداقلی که درباره آن گفته شد، می‌تواند به عنوان یک تکلیف برای دولت به شمار آید که باید همان حداقل حقوق را برای اتباع خارجی عضو کنوانسیون رعایت کند.

تکلیف دیگر برای دولت، رعایت حق تعقیب آثار هنری اصیل و نسخه‌های دست‌نویس داخلی و خارجی، همچنین حق توزیع پدیدآورندگان آثار سینمایی در کشور ما برای صاحبان حق است؛ حقوقی که اکنون در کشور ما وجود ندارد و یک خارجی هیچ‌گونه حق تعقیب اثر هنری خود را در کشور ما ندارد.

دیگر اینکه با الحاق به کنوانسیون برن دولت مکلف می‌شود که مدت حمایت از حقوق مادی اثر را در همه حوزه‌های مالکیت ادبی و هنری به ۵۰ سال افزایش دهد. ما اکنون در اصلاحیه در یکی دو مورد این زمان را به ۵۰ سال افزایش داده‌ایم، ولی در بسیاری موارد هنوز این مقدار افزایش نیافته است.

همچنین اگر آثار اطفال ایران در کشورهای عضو کنوانسیون برن، مشمول مجوز بهره‌برداری اجباری قرار بگیرند، دولت ما باید بداند که حق هیچ‌گونه اعتراض نسبت به صدور این مجوز اجباری ندارد؛ به این دلیل که وقتی این حق را برای خودمان قائلیم، باید برای دیگران هم قائل باشیم.

مورد بعدی این است که چنان که گفته شد، کشورهای در حال توسعه می‌توانند از محدودیت‌ها و استثنائات سند پاریس که از آن سخن به میان آمد، بهره‌مند شوند؛ به همین دلیل دولت ما باید بداند که هیچ‌گونه اعتراضی به این کشورها برای استفاده از این محدودیت‌ها و استثنائات در مورد مالکیت ادبی و هنری ایران نمی‌تواند داشته باشد.

مورد آخری که در این جلسه بیان می‌کنم این است که در صورتی که یک اثر سینمایی بر مبنای یک اثر قبلی یا اثر اصیل تولید شود و یک ایرانی بخواهد از این اثر دوم اقتباس کند، مکلف به کسب اجازه از پدیدآورنده اثر اصیل است و باید این نکته را رعایت کند. در اینجا رعایت حقوق پدیدآورنده اثر فردی بر اساس بند دو ماده ۱۴ قانون کنوانسیون پاریس پیش‌بینی شده که متأسفانه این موضوع در قانون ما وجود ندارد و باید حتماً اصلاح شود.

پرسش: پرسش من در مورد ارتباط جمعی است. مطبوعات، تبلیغات و مواردی از این دست چه وضعیتی خواهند یافت؟ آیا یک خارجی می‌تواند در تهران شبکه تلویزیونی راه‌اندازی کند؟

دکتر حبیب: خیر؛ چنین مسائلی به حوزه حاکمیت برمی‌گردد. کنوانسیون برن نگفته که دولت‌ها موظف‌اند اجازه تأسیس شبکه خصوصی بدهند، بلکه می‌گوید، اگر فیلم سینمایی‌ای تهیه و بنا شد، در ایران به اکران گذاشته شود، باید حق کپی‌رایت پدیدآورندگان آن رعایت شود؛ ولی در مورد بحث شبکه‌های تلویزیونی که خود کنوانسیون دیگری هم دارد، تصریحی در کنوانسیون برن وجود ندارد.

پرسش: در حال حاضر بیشترین متجاوزان به حقوق مالکیت ادبی و هنری، صداوسیما به‌ویژه شبکه خبر است که کاملاً در شیوه برنامه‌سازی، گرافیک و... از بی‌بی‌سی تقلید کورکورانه می‌کند؛ بنابراین آنها نباید به این راحتی رضایت به الحاق به کنوانسیون برن بدهند. درست است؟

دکتر حبیب: شما در واقع در تأیید حرف‌های من این پرسش را طرح کردید. من هم می‌گویم که پیوستن به این کنوانسیون قطعاً محدودیت‌هایی را به وجود خواهد آورد. این تقلیدها باعث می‌شود که خلاقیت جوانان ما که در این مورد از آنها کمتر نیستند، دیگر رشد نکند. من در دانشگاه هر گاه صحبت هوش می‌شود می‌گویم که باهوش‌ترین ملت‌ها در دنیا ایرانیانند؛ چنانچه معروف‌ترین طراحان گرافیک، ایرانی‌اند؛ کسی به نام «بیژن» که در لندن فوت کرد. یکی از آثار مثبت این الحاق، رشد و ارتقای خلاقیت است. باید توجه داشت که از آن نظر که ماهیت کالای هنری، تراوش‌های فکر است و مانند کالاهای اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی ندارد، این تصور که ما قدرت خلق آثار مطلوب را نداریم، اشتباه است؛ ضمن آنکه امروز اینترنت به صورت روزانه پیشرفت‌ها را در این زمینه در دسترس قرار می‌دهد و به راحتی می‌توان از آن استفاده کرد و به خلق آثار بدیع و بی‌مانند پرداخت.

پرسش: از نظر من تجاری‌شدن ایده‌ها و آثار ادبی و هنری می‌تواند تأثیر زیادی بر پیوستن ما به کنوانسیون برن داشته باشد؛ یعنی کشور به مرحله‌ای برسد که بتواند آثار ادبی و هنری‌اش را -که جزو سرمایه‌های این کشور برشمرده می‌شوند- تجاری کند. در این صورت باید حتماً به این کنوانسیون بپیوندد تا آثارش در کشورهای دیگر حمایت شوند؛ اما طبیعتاً تا زمانی که این آثار این ویژگی را پیدا نکرده‌اند، احساس نیازی برای پیوستن وجود نخواهد داشت. آثار ما به‌ویژه آثار سینمایی در سطح داخلی ظاهر می‌شوند و به مرحله‌ای که به عرصه بین‌الملل ورود پیدا کند، نمی‌رسند.

دکتر حبیب: فرمایش شما متین است؛ منتهی من می‌خواهم به این نکته تأکید کنم که اتفاقاً با توجه به استعدادهای ما در داخل، می‌بینیم که بعضی آثار سینمایی ما در اقصی نقاط دنیا (این نکته را از روی آگاهی بیان می‌کنم) بروز و ظهور پیدا می‌کنند؛ مثلاً در خود آمریکا که بیش از چهار تا پنج میلیون ایرانی وجود دارد، با توجه به مشکلات روحی و روانی‌ای که در آنجا وجود دارد، گاه حتی چقدر انتظار می‌کشند تا سریال دیگری که با آن علقه‌های مشترکی دارند، به بازار بیاید.

چه بسیار فیلم‌های ایرانی که از شبکه‌های مختلف عربی و شبکه‌های ماهواره‌ای غیرمجاز فارسی‌زبان پخش می‌شوند؛ بدون آنکه حق کپی‌رایت آنها پرداخت شده باشد و باید جلوی چنین مواردی را گرفت.

من به این نکته که می‌گویم کاملاً علم و اشراف دارم که ما دارای پتانسیل بسیار بالایی در این زمینه‌ها هستیم و باید بدانیم که هیچ‌چیز از هندی‌ها کمتر نداریم. اگر هندی‌ها امروز با برنامه‌ریزی توانسته‌اند ۱۵ میلیارد دلار از نرم‌افزار درآمد داشته باشند، ما هم قادر به انجام این کار هستیم. من اطلاع دارم که در حال حاضر نزدیک به ۳۰ شرکت ایرانی در همین شرایط تحریم در حال تولید نرم‌افزارهای بسیار ارزنده در حوزه حسابداری و... هستند و آنها را به بیش از ۱۵ کشور دنیا و از جمله کشورهای پیشرفته‌ای همچون فرانسه، کانادا و... صادر می‌کنند.

من به یاد دارم که دولت هند در سال ۱۹۹۶ یا ۱۹۹۷ اعلام کرد، ما برنامه‌ریزی کرده‌ایم که تا سال ۲۰۱۵ به ۲۵ میلیارد دلار درآمد در حوزه نرم‌افزار دست پیدا کنیم. برخورد همه با این موضوع تمسخر و بی‌باوری بود؛ اما امروز می‌بینیم که آنها دارند به این نقطه دست پیدا می‌کنند.

در بحث فیلم و نرم‌افزار که گفته شد، در بحث کتاب هم ما تصویرگری داریم که اشعار مولانا را به تصویر کشیده، با یک ناشر فنلاندی قرارداد بسته و کتاب‌هایش در آنجا عرضه می‌شود. این فرهنگ باید جا بیفتد و ناشر ما نباید به منافع کوتاه‌مدت خود فکر کند؛ البته این خانم به مشکلاتی برخورد کرده بود و از من چاره‌جویی می‌کرد. من به ایشان گفتم متأسفانه به دلیل نپیوستن ما به کنوانسیون برن نمی‌توانیم کاری برای شما انجام دهیم؛ بنابراین اگر نقض قانونی اتفاق بیفتد، دست ما بسته است و نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.

سال ۱۳۸۳ در دانشگاه تهران ما با کمک «سازمان جهانی مالکیت فکری»، سمیناری برای اولین بار در حوزه مالکیت ادبی و هنری برگزار کردیم که در آنجا رئیس اتحادیه ناشران انگلستان سخنرانی کرد و گفت افزایش قیمت کتاب، سکه‌ای است که در واقع دو رو دارد؛ یعنی از یک نظر درست است و از نظر دیگر درست نیست. درست است، به این دلیل که کتاب حق کپی‌رایت دارد و باید آن را پرداخت و درست نیست، به این دلیل که این افزایش قیمت را ناشر باید پرداخت کند، نه خواننده.

نکته دیگری که او بیان کرد و برای ناشران ما هم بسیار مفید است این بود که این‌طور نیست که وقتی یک ناشر خارجی می‌خواهد یکی از کتاب‌های علمی خودش را به یک ناشر ایرانی برای چاپ بدهد، حق کپی‌رایت بسیار بالایی از او بگیرد. اکنون در دنیا عرف‌های بین‌المللی‌ای به وجود آمده که مثلاً در کتب علمی هزینه کپی‌رایت ۲ درصد، کتاب‌های داستانی ۵ درصد و کتاب‌های دیگر ۸ درصد تعیین شده که این مبلغ را هم ناشر باید پرداخت کند؛ نه خواننده.

پرسش: نتایج پژوهشی هم که دفتر پژوهشگاه انجام داده بود، نشان می‌داد که با وجود پرداخت حق مؤلف و حذف یارانه در کتاب، افزایش قیمت‌ها به ۱۰ درصد هم نخواهد رسید؛ ضمن آنکه در بازار ایران تیراژها مشخص است. آخرین کتابی که ما چاپ کردیم، ۵۰۰ نسخه بود!

دکتر حبیب: درست است؛ گاه می‌بینیم که تیراژ بهترین کتاب‌ها به هزار نسخه می‌رسد. ولی ما می‌توانیم با حمایت‌های غیرمستقیم اجازه دهیم این عرصه فعال شود. نکته دیگر اینکه به نظر می‌رسد ما کمی از تحولات دنیا

عقیم. امروز بحث جدیدی به نام «کپی‌لفت» در حال شکل‌گیری است که به مفهوم رهاکردن روند کپی است و در بعضی عرصه‌ها مانند اوپن‌سورس‌ها، ویکی‌پدیاها، دانشنامه‌های آزاد و... بروز و ظهور دارد.

ما انتشاراتی به نام «لقمطه» در فرانسه داریم که هفته‌ای ۱۰ عنوان کتاب به چاپ می‌رساند. این انتشارات به دانشگاه تهران اعلام کرد که این دانشگاه می‌تواند بدون پرداخته هیچ‌گونه حق کپی‌رایتی همه کتاب‌هایش را چاپ و توزیع کند. چنین نهضت‌هایی در دنیا شکل گرفته و ما هنوز بر سر قیمت کتاب مانده‌ایم.

در بحث کپی‌لفت برخی اقشار جامعه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ مثل نابینایان که گروهی از آنان در آمریکا سعی در به تصویب رساندن لایحه‌ای مبنی بر نبود هیچ‌گونه حق کپی‌رایت برای آنان دارند. قانون‌گذاران در آنجا معتقدند که این قشر آن قدر اهمیت دارد که چنین قانونی برای آنان به تصویب برسد؛ حتی اگر از آن سوءاستفاده هم بشود. همین بحث «محدودیت‌ها و استثنائات» در کنوانسیون برن که کشورهای در حال توسعه را حمایت می‌کند، روزبه‌روز در حال تقویت است. شاید روزگاری دانش لازم را نداشتیم؛ اما اگر ما برای مذاکرات «وای‌پو» از متخصصانی که امروز تربیت کرده‌ایم و از افتخارات ما هستند، بهره ببریم، به نتایج مطلوبی دست پیدا خواهیم کرد. کشورهای در حال توسعه بیدار شده‌اند و ما با حضورمان در این کنوانسیون بیشتر می‌توانیم منافع ملی خود را تقویت کنیم.

ما در بحث‌هایی همچون «حمایت از دانش سنتی» که بناست معاهده‌ای در این مورد به وجود آید، بسیار فعال و اثرگذاریم. اگر ما به جای محدودکردن خودمان در همه عرصه‌ها این‌طور وارد شویم، حضور فعال ما جلوی پیامدهای بسیاری مسائل را خواهد گرفت؛ همچنان که می‌دانیم، آرژانتینی‌ها، برزیلی‌ها، هندی‌ها و... از همین توان استفاده می‌کنند و حفظ منافع ملی خود را به‌نوعی به کشورهای پیشرفته تحمیل می‌کنند.

پرسش: آیا الحاق به کنوانسیون برن در ممیزی‌ای که ما اعمال می‌کنیم، تأثیری ندارد؟

دکتر حبیب: این امکان برای ما وجود دارد که در حق شرط‌هایی که می‌توانیم در این کنوانسیون طرح کنیم، بگوییم ما ناچاریم آثاری را که مخالف شأن مقدس اسلام، نظم عمومی و اخلاق حسنه است، از نگاه ممیزی بگذرانیم؛ همچنان که در بحث اختراعات این شرط را داریم؛ یعنی با وجود آنکه به کنوانسیون پاریس پیوسته‌ایم، می‌گوییم اختراعاتی که مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه است، مورد حمایت ما نخواهند بود.

پرسش: در مورد حقوق معنوی، اختیارات دولت‌ها فقط در زمینه کاهش مدت حمایت است یا در پذیرفتن یا نپذیرفتن آن هم اختیاراتی دارند؟

دکتر حبیب: در مورد پذیرفتن یا نپذیرفتن خیر؛ این بحث را خود کنوانسیون پاریس مورد توجه قرار داده و اختیاری در این مورد وجود ندارد. در مورد مدت حمایت هم اگر ما بخواهیم این مدت را در مورد آثار خودمان کاهش ندهیم، بر اساس اصل رفتار ملی در مورد آثار خارجی هم نمی‌توانیم کاهش دهیم.

پرسش: ثبت آثار ادبی در کنوانسیون برن الزامی است؟

دکتر حبیب: خیر؛ این کنوانسیون فقط می‌گوید، اثر به محض آنکه خلق می‌شود، انتشار و عرضه و توزیعش مورد حمایت کنوانسیون است؛ البته در مورد ثبت بحث‌هایی در کل دنیا وجود دارد که برخی می‌گویند، ثبت را مانند مالکیت صنعتی اجباری کنیم؛ چراکه دعاوی زیادی در این مورد به وجود آمده است. ثبت در واقع در اصطلاح ما حقوق‌دانان

نوعی عماره است؛ چون مانند اختراع، شخص پس از ثبت اثر خود نفع‌برنده است؛ به همین دلیل برخی می‌گویند، مبنای حمایت را پس از ثبت بگذاریم، اما همچنان مخالف‌هایی در این زمینه وجود دارد؛ به‌ویژه نظام سیبیلایی‌ها محکم‌تر روی این موضع ایستاده‌اند، اما کامونلایی‌ها در حال نزدیک‌شدن به اهمیت دادن به ثبت‌اند. در مجموع کنوانسیون برن می‌گوید، اثر به محض آنکه خلق بشود، اعم از اینکه ثبت بشود یا نشود، مورد حمایت است.

پرسش: در مورد اصالت اثر چطور؟

دکتر حبیب: باز هم همین است و اصالت اثر به‌شدت مورد توجه است. قانون ما هم در این زمینه متأثر از کنوانسیون برن است. به طور کلی در مالکیت ادبی و هنری می‌گوییم، اثری مورد حمایت قرار می‌گیرد که اصیل باشد.

پرسش: آیا در ممیزی، تشخیص و معیار اصالت را هم باید از کنوانسیون برن گرفت؟

دکتر حبیب: نه؛ نیازی نیست. در اصالت می‌گوییم که اثر کاملاً باید برآمده از فکر پدیدآورنده باشد؛ متهمی می‌گویند اگر چند اثر مثل هم نیز به وجود آید، همه حمایت می‌شوند. در مالکیت صنعتی و در بحث اختراع می‌گوییم کسی که قبل از دیگران چیزی را اختراع کند، مورد حمایت است؛ اما در اینجا اگر ۱۰ نقاش از یک موضوع به یک شکل نقاشی کنند، همه مورد حمایت‌اند.

پرسش: در مورد صدور مجوزها چطور؟ در کشورهای غربی در مورد مطبوعات نیازی به دریافت مجوز نیست و همین که روزنامه یا نشریه خود را ثبت کنند، کافی است. آیا این هم شامل محدودیت‌هایی هست یا خیر؟

دکتر حبیب: مجوز نمی‌تواند مبنایی برای حمایت باشد؛ یعنی اثر به محض آنکه خلق شد، مورد حمایت است؛ چه وزارت ارشاد مجوز بدهد و چه ندهد. در مورد اختراع هم همین‌طور است؛ یعنی مثلاً یک دارو پیش از دریافت مجوز از وزارت بهداشت -که گاه ممکن است پنج سال طول بکشد- هم مورد حمایت است.

پرسش: آیا اعمال حقوق مادی اثر مربوط به اخذ مجوز است؟

دکتر حبیب: بله؛ برای اعمال حقوق مادی، مجوز به کار می‌آید.

پرسش: حق اخلاقی و معنوی در مالکیت صنعتی قابل تصور است؟

دکتر حبیب: بله؛ اصلاً کنوانسیون پاریس این موضوع را مد نظر قرار داده است. وقتی می‌گویند، مخترع می‌تواند بخواهد که نامش روی اختراع قید شود، همین است. در مورد مالکیت صنعتی در کنوانسیون پاریس درست است که ابعاد اقتصادی می‌چربد، ولی یک ماده (ماده ۴ که از اول هم وجود داشته و جزو اصلاحیه‌ها هم نبوده) به حق معنوی اختصاص پیدا کرده است.

درست است که توجه به حق معنوی نسبت به حق مادی ضعیف‌تر است؛ ولی اتفاقاً در کشور ما بسیار اتفاق می‌افتد که برخی، طرح دیگری را به نام خود ثبت می‌کنند. این کار ضمن تجاوز به حق مادی، تجاوز به حق معنوی هم هست. وقتی تلفن را به گراهام بل و گلستان را به سعدی نسبت می‌دهیم، همان حق معنوی است که برای او قائل شده‌ایم.

کامونلایی‌ها برای حق معنوی ارزش کمتری قائل‌اند؛ به همین دلیل می‌بینیم که در معاهده تریپس این بحث ضعیف می‌شود. در آنجا آمده، کشورها موظف به رعایت قوانین کنوانسیون برن (از ماده ۱ تا ۱۲ آن به استثنای ماده شش مکرر) و کنوانسیون پاریس (از ماده ۱ تا ۱۲) هستند. استثنای ماده شش مکرر به این دلیل است که نظام

کامونالایی، حق معنوی را در حریم خصوصی پیش‌بینی کرده و در اینجا ضرورتی برای رعایت آن نمی‌بیند؛ ضمن آنکه این معاهده در مورد جنبه‌های تجاری مالکیت ادبی و هنری بحث می‌کند و بعد مادی برایش اهمیت دارد؛ اما در کشورهایی مانند کشور ما این حق پررنگ است؛ چنانچه کسانی به‌ویژه در سطح دانشگاهی هستند که برای رعایت‌نشدن حق معنوی خود اعتراض می‌کنند تا آنجا که گاهی راضی هستند پولی دریافت نکنند، اما نامشان روی اثر حتماً به کار برود. این اتفاق در کشورهای در حال توسعه به این دلیل رخ می‌دهد که هنوز به تجاری‌سازی و نگاه اقتصادی به آثارشان نرسیده‌اند.

خانم آزادیگی: همان‌طور که می‌دانید لایحه‌ای که وزارت ارشاد به دولت داد (پیش‌نویس لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط)، ۱۳۱ ماده داشت که اکنون ۱۱۲ ماده آن بررسی شده (البته حدود ۳۰ ماده در مورد حق معنوی دارد) و به امید خدا بناست وزارت ارشاد ماده‌های مربوط به قراردادهای نشر و سازمان‌های جمعی را تکمیل کند و به مجلس بفرستد؛ همچنین به نظر می‌رسد تا دو هفته دیگر همه مواد (به جز مواد مربوط به حقوق معنوی) تکمیل و به مجلس فرستاده شوند.

لایحه الحاق به کنوانسیون برن و رم را هم ارشاد به مجلس داده که برخی وزارتخانه‌ها (همچون وزارت خارجه و اطلاعات) هم برای پیوستن هرچه زودتر به این کنوانسیون‌ها اعلام موافقت کرده‌اند.

این دو لایحه به طور هم‌زمان در دولت و مجلس در حال بررسی هستند و متأسفانه در بخش نرم‌افزار دچار مشکل شده‌اند که وزارت فناوری و اطلاعات از آن ایراداتی گرفته و حتی به دلایل غیر موجه پیشنهاد داده که پیش‌نویس پس گرفته یا جایگزین شود که با مخالفت شدید وزارت ارشاد روبه‌رو شده‌اند. آنها پیش‌نویسی را هم پیشنهاد داده‌اند که به نظر من از مالکیت فکری خیلی دور است بیشتر وارد مباحث وزارت ارتباطات شده‌اند.

دکتر حبیب: به نظر من می‌توان پاسخ آنان را این‌طور داد که اگر روی مسأله نرم‌افزار بحثی وجود دارد، می‌توانند به قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹ مراجعه و به آن استناد کنند.

آزادیگی: به هر حال هر چهارشنبه ما برای پی‌گیری این دو لایحه به مجلس می‌رویم و با کمیسیونی که در این زمینه تشکیل شده، بحث می‌کنیم که به امید خدا در روزهای پایانی تصویب آن هستیم. کمیسیون اصلی هم به موازات یک کمیته فرعی تشکیل شده که پنج‌شنبه‌ها به این موضوع رسیدگی می‌کند. این آخرین اطلاعات در مورد این دو لایحه بود.

پرسش: این دو لایحه که به هم پیوند نخورده‌اند. می‌توان لایحه الحاق به کنوانسیون برن و رم را پیش برد و پس از حل‌شدن مشکلات لایحه دیگر آن را هم پیش برد.

آزادیگی: این دو لایحه به صورت جدا از هم در حال بررسی هستند؛ ولی آن‌طور که دکتر مرادی، مسؤول کمیسیون فرعی می‌گویند، تا لایحه حمایت از مالکیت ادبی و هنری به نتیجه نرسد، نسبت به تشکیل کمیسیون برای لایحه الحاق تصمیم‌گیری جدی صورت نخواهد گرفت.

دکتر حبیب: به نظر من اگرچه دیر است، وزارت ارشاد در این زمینه گام‌های خوبی برداشته که جای تشکر دارد. توصیه می‌کنم از نظر اقتصادی هم اگر گروه‌های قوی‌ای برای بررسی در این مسأله مداخله کنند، به یقین منافع پنهانی که به چشم ما نمی‌آید، خود را آشکار خواهند کرد و نباید فقط به حوزه کتاب و سی‌دی در این زمینه‌ها بسنده کرد.